لهجه سیوندی/ پیرلوکوک

تفضلی، احمد

Pierre Leccoq,Le dialencte de sivand,Wiesbaden,1979

سیوند دهی است در حدود هشتاد کیلومتری شمال شیراز که بر سر راه اصفهان قرار دارد.در این ده که حدود چهار هزار جمعیت دارد هنوز مردم به لهجه‏ای قدیمی سخن‏ می‏گویند.اما به علل مختلف از جمله این‏که ده پیوسته در سر راه مسافران قرار داشته‏ لهجهء آن‏رو به فراموشی است.اگرچه به این لهجه فعلا"در جنوب ایران صحبت‏ می‏شود اما از نظر لهجه‏شناسی ایرانی متعلق به گروه شمالی است.احتملا"اجداد سیوندیان در زمانهای کهن‏تری به این ناحیه مهاجرت کرده یا کوچ داده شده‏اند.

از دیرباز ایران شناسان غربی به لهجهء سیوندی توجه داشته‏اند.در سال 1878 نخستین بار آندریاس Andreas دانشمند آلمانی به سیوند سفر کرد.اما یادداشتهای‏ او بعدها در سال 1939 توسط کریستن سن دانمارکی christensen منتشر شد.چندی پس‏ از او ژوکوفسکی دانشمند روس دربارهء این لهجه تحقیق کرد و حاصل آن را در کتاب‏ مواد لهجه‏های ایرانی(1888 و 1922)در سن پطرزبورگ(لنین گراد فعلی)منتشر ساخت.این کتاب نایاب سه سال پیش به همت دکتر محمد مقدم در تهران به طریق‏ افست چاپ شد.

در سال 1888 حاکم فارس کسی را به نام میرزا حسین تهرانی به سیوند فرستاد تا لهجهء آنجا را گردآوری کند.یادداشتهای وی را هوار فرانسوی Huart در میان‏ کتابهای میرزا حبیب اصفهانی یافت و آنها را در سال 1893 در ژورنال آزپاتیک منتشر کرد و در سال 1960 مورگن استیرنه Morgenstierne زبان شناس فقید نروژی یادداشتهای‏ مفیدی دربارهء این لهجه نوشت.

باوجود این تحقیقات هنوز سیوندی احتیاج به یک بررسی دقیق و کاملتر و منطبق‏ با موازین زبان‏شناسی نوین داشت.به این منظور بود که لوکوک دانشمند جوان بلژیکی‏ که چند سالی در ایران به پژوهش اشتغال داشت،بر آن شد که با اقامت طولانی‏تری در سیوند به گردآوری و بررسی این لهجه بپردازد و در این کار نیر کاملا"توفیق یافت.

کتاب لهجهء سیوندی با مقدمه‏ای دربارهء سیوند و لهجهء آن و ذکر تحقیقات‏ قبلی اروپائیان در این‏باره شروع می‏شود.در اینجا لازم است مأخذی بر مآخذ کتاب که‏ به فارسی است و ظاهرا"مؤلف از آن بی اطلاع مانده،افزوده شود. جمال زیانی:لهجهء سیوندی،مجلهء دانشکدهء ادبیات شیراز،سال سوم.شمارهء پنجم(1339)ص 61 تا 91

بخش اول کتاب دستور لهجهء سیوندی است که با اوج‏شناسی شروع می‏شود.بنابر نظر مؤلف این لهجه 25 صامت و 8 مصوت و 3 مصوت مرکب دارد.از میان مصوتها تفاوت e یا i و با O کاملا"مشخص نیست.جای آن داشت که مؤلف با ذکر مثالهای‏ بیشتر و با روش تقابل و جانشین‏سازی واجها Commutation ،ممیز بودن distinctif بودن آنها را اثبات می‏کرد.با توصیف کنونی نقش تمایز دهندگی این واجها مشکوک به‏ نظر می‏رسد.(قس مثلا nik و nek هردو به معنی‏"نوک‏").در مورد پسوند es?t -(ص‏ 50)که معادل-ش(مصدری)فارسی است و از مادهء مضارع اسم مصدر یا اسم می‏سازد، مثال بالشت نابجاست،زیرا ریشهء فعلی بال وجود ندارد.از نظر در زمانی این کلمه‏ بسیط محسوب می‏شود و از نظر تاریخی نیز"شت‏"این کلمه هیچ ربطی با ش مصدری‏ ندارد.

بخش دوم کتاب(صفحات 85 تا 168)شامل قصه‏های سیوندی است به صورت‏ آوانویسی شده همراه با ترجمهء فرانسهء آنها و بخش سوم کتاب واژه‏نامهء سیوندی است‏ مشتمل بر 1745 لغت.به این واژه‏نامه فهرستی از تعداد لغاتی که ضبط آنها در آثار محققان پیشین با ضبط مؤلف کتاب متفاوت بوده،ضمیمه شده(ص 200-199)و مجموعهء لغات به 1784 رسیده است.کلمهء Kowkarrak کوکرک)(ص 182)که مؤلف آن را با تردید پرنده‏ای آبی دانسته است،ظاهرا"همان پرنده‏ای است که در اصفهان بدان‏ کوکره kowkarek .خونسار koukarak گویند(رک به کتاب Elers-Schapka,Die . Mundart von Chunsar,p.395

و نام علمی آن ظاهر Pteroclididae است(رک به کتاب،پرندگان ایرانی ص 184).در مورد ترکیب ahti eyal ص 199)که صورت عامیانهء اهل و عیال است،باید گفت که در بسیاری از نواحی ایران معمول است.در مورد کلمهء sede" به معنی نردبان که ژوکونسکی‏ آن را ضبط کرده است(در برابر Sod که ضبط لوکوک است)باید گفت که برخلاف حدس‏ مؤلف(ص 200)صورت sede از لهجه‏های اطراف اصفهان نیست،بلکه از لهجه‏های‏ فارس است(قس شیرازی sed ).در مورد واژه‏های مشابه آن رک به.

. Tafazzoli,"Notes pehlevies I",IA.1970,87-9

در پایان کتاب فهرست فرانسه-سیوندی است.این کتاب از زمرهء کتابهای مفیدی است‏ که علاقه‏مندان به لهجه‏شناسی و زبانشناسی ایران می‏توانند از آن بهره گیرند.